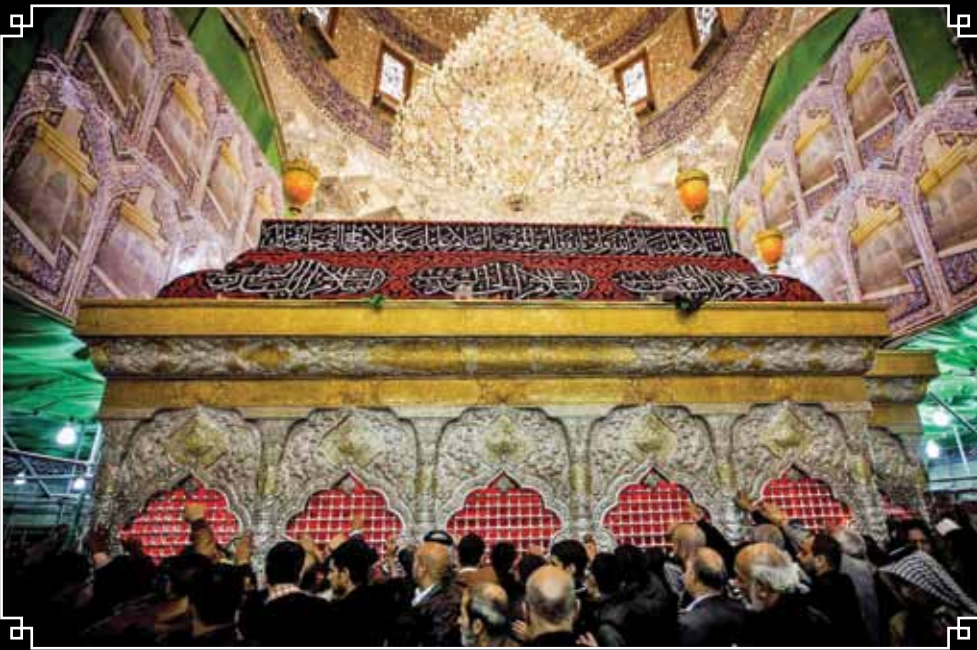


گفت و گوی «وطن امروز» با حجت الاسلام والمسلمین پشت کوهی پیرامون ریشه شناسی تاریخی واقعه عاشورا

از غصب در مدینه تا قتل در کربلا



تحلیل حادثه عاشورا و بررسی عوامل شکل گیری آن بدون در نظر گرفتن عقبه تاریخی و حوادث پیشینی آن، هر پژوهشگری را دچار خطای در تحلیل می کند. به همین جهت برای رسیدن به پاسخ صحیح باید حوادث صدر اسلام بویژه پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) را مورد مطالعه و مذاقه قرار داد. با بررسی تاریخی آن مقاطع تلخ به این نتیجه می رسیم که ریشه و زمینه اصلی شکل گیری حادثه عاشورا، توطئه ستیفه بنی ساعده بوده

مجتبی (ع) را فریب داد. حضرت یکی دیگر را گذاشت و آن هم با پول های معاویه تسلیم شد. امام مجتبی (ع) مجبور شد پسر عموی پدرش عبدالله بن عباس را سر لشکر کند. عبدالله بن عباس پسر عموی عبدالله بن عباس عموی امیرالمؤمنین بود. در بقیع ۴ قبر است که بالای این ۴ قبر، یک قبر تکی است و آن قبر عباس عموی امیرالمؤمنین و پیغمبر است. عباس ۲ پسر معروف دارد، عبدالله و عبدالله شیعیه امیرالمؤمنین است و عبدالله سر لشکر سپاه امام حسن (ع) شد اما او هم خود را به پول معاویه فروخت. این مسائل باعث شد لشکر امام حسن (ع) از هم بپاشد. می گفتند وقتی اینکه فامیل امام حسن است، حضرت را قبول ندارد، ما چرا کاسه داغ تر از آش شویم. این در زمان های قدیم یک قاعده بود که کسی که فامیل قیولش نباشد، هیچ کسی او را قبول نداشت. معاویه ملعون یک شگرد دیگر را هم پیاده کرد. در بین سپاه امام حسن شایعه کرد که حسن بن علی هم با ما ساخته و پول بسیار گرفته است. عده ای از سپاهیان به خیمه حضرت ریختند و امام را در حالی که نماز می خواند مجروح کردند. امام حسین زخمی را فراری دادند و در خانه مسعود سعد ثقفی که عموی مختار ثقفی بود، پناه دادند. امام حسین (ع) را مدتی آنجا نگاه داشتند تا حضرت حال شان بهتر شود و لشکر را جمع کنند و جواب معاویه را بدهند. متأسفانه مسعود سعد ثقفی هم به امام حسن (ع) خیانت کرد. دوستی با هر که کردم خصم مادر زاد شد. آشپان هر جا گرفتیم لانه صیاد شد آن رفیقی را که با خون و دلم پروردمش عاقبت خنجر کشید و بر سرم جلا داد مسعود سعد ثقفی به معاویه یک نامه نوشت و گفت: حسن بن علی در خانه من است، هر دستوری بدهی اجرا می کنم. سرش را برایت بفرستم یا او را دست بسته پیش تو بیاورم؟ حکم آنچه تو بنمایی. نامه که به دست معاویه رسید، معاویه یک نفر را فرستاد و گفت به منزل مسعود سعد ثقفی برو و با حسن بن علی خصوصی مذاکره کن و من حسن بگو اگر صلح نکنی، همین صاحب خانه تو را می کشد. مأمور معاویه به منزل مسعود سعد ثقفی آمد، عده ای در اتاق بودند و گفت با حسن بن علی کار خصوصی دارم. حضرت فرمود بروید همه بلند شدند، امام حسین هم بلند شد که برود اما امام حسن گفت برادر تو بنشین. این نامه رسان گفت باید باشما خصوصی صحبت کنیم، امام حسن گفت که این حسین برادر من است و من هیچ چیزی ندارم که از پسر فاطمه پنهان باشد. او هم نامه را داد، امام حسن که نامه

خوارج را دستگیر کردند. فقط این ملجم موفق شد امیرالمؤمنین را ترور کند. این ملجم دقیقا در قسمتی از سر حضرت که در جنگ با عمر بن عبدود مجروح شده بود شمشیر را فرود آورد و حضرت را شهید کرد. آن کسی را که می خواست معاویه را ترور کند به زندان انداختند. معاویه گفت بلایی سرش بیاورند که در تاریخ ثبت شود و دستور داد زنده زنده تکه تکه اش کنند. آن شخص به معاویه گفت: من یک خبر خوب برای تو دارم، معاویه گفت: هر خبری باشد تو را می کشم. گفت بگذار من خیرم را بگویم و بعد اگر خواستی مرا بکش، معاویه گفت خبرت را بده، گفت آن ششی که می خواستم تو را ترور کنم، این ملجم هم علی بن ابی طالب را ترور کرد. معاویه بسیار خوشحال شد و گفت اگر خبرت نداشت، هیچ کسی او را قبول نداشت. تو را آزاد می کنم. یک نفر را فرستاد و گفت به کوفه برو و خبر مرگ علی بن ابی طالب را بیاور، او هم رفت و بعد از ۱۰ روز برگشت و گفت معاویه سرت سلامت، بزرگترین دشمنت علی کشته شده است. معاویه دستور داد در شام چراغانی کنند، مجالس بگیرند و پذیرایی کنند و جار جماعت بزنند و مردم به مسجد بیایند خطیب شام به منبر رفت و خدا را شکر کرد و گفت: الحمدلله که بزرگترین دشمن معاویه، علی بن ابی طالب در مسجد کوفه ضربه خورد و کشته شد. یک نفر از انتهای مجلس بلند شد و گفت بگو ببینم علی را کجا ضربه زدند؟ گفت در کوفه، گفت در کجای کوفه، آن راضی نباشد! اینچنین آدم های مقدس و البته جاهل و سنگدلی بودند. اینان با امیرالمؤمنین در جنگ نهران جنگیدند. امام علی (ع) مجبور شد عده بسیار زیادی از آنها را از دم تیغ بگذراند، چرا که خوارج نهران اعتقاد داشتند اگر کشته شوند به بهشت می روند به همین دلیل فرار نمی کردند و تا پای جان می جنگیدند. شبین خوار را ما در روزگار خودمان داشتیم که همین داعشی های ملعون بودند. می گفتند بمیریم تا برویم بهشتی که پیامبر در آنجا هست. فقط در تاریخ داریم که ۳۰ نفر از خوارج زنده ماندند که آنها هم ترسو بودند و فرار کردند. از این ۳۰ نفر، ۳ نفر کنار کعبه هم قسم شدند و گفتند شب ۱۹ ماه رمضان برای اینکه به ثواب بسیار برسیم، یک نفر معاویه را در شام ترور کند، دومین نفر عمرو عاص را در مصر و سومین نفر علی بن ابی طالب را در کوفه. آن روزی که می خواستند عمرو عاص را ترور کنند، (صبح ۱۹ ماه رمضان) عمرو عاص به مسجد بیامد و قاضی القضات آمد که اشتباهی کشته شد. می خواستند معاویه را ترور کنند که شمشیر به پای معاویه خورد و

بود. یعنی حضرت زینب (س) دارد برای همه عقلا توضیح می دهد آن روز که خانه پدر مرا آتش زدند، همان آتش، خیمه های ما را سوزاند. ریسمنای که بر گردن پدرم انداختند، با همان دست ما را بستند. برادر تو را روز دوشنبه کشتند یعنی روز سقیفه بود که این فتنه شروع شد که امروز به انجام رسید. همین است که وقتی زیارت عاشورا می خوانیم، لعن می کنیم به کسانی که ابتدا این اساس را بنا کردند. ما باید تاریخ را پس از ارتحال رسول خدا بررسی کنیم تا متوجه شویم چطور شهادت امام حسین (ع) حادث شد. امیرالمؤمنین علی (ع) ۲۵ سال پس از پیغمبر (ص) خانه نشین بود. در این ۲۵ سال به فرموده خودشان خار در چشم و استخوان در گلو بودند. من که از آتش دل چون خم می در جوشم مهر بر لب زده خون می خورم و خاموشم قصه درد دل و غصه شب های دراز صورتی نیست که جایی بتوان گفتن باز بعد از ۲۵ سال حضرت ۴ سال و ۹ ماه حکومت کردند. سال چهل هجرت امیرالمؤمنین در محراب مسجد کوفه ضربه خوردند و شهید شدند. وقتی هم حضرت را ضربه زدند و در مسجد کوفه سر و صورت ایشان به خون آغشته شد، در بستر بیماری قرار گرفت و شب ۲۱ ماه رمضان شهید شد. امیرالمؤمنین علی (ع) یک جنگی دارد به نام جنگ نهران. خوارج نهران آدم هایی جانم از آب کش بودند و همچنین بسیار بسیار بسته بودند و هیچ کسی غیر از خود را قبول نداشتند. در تاریخ داریم که یک روزی ۲ نفر از خوارج جلوی یکی از اصحاب مولا را می گیرند و مرد و همسر و بچه اش را می کشند. سپس بر سر آب نهر می آیند تا دست منحوس آلوده به خون مظلومان بوی را بشویند. یک خرمای خراب در این آب می رفت، یکی از آنها خرما را برداشت که بخورد، دیگری پشت دست او زد و گفت مال چه کسی را می خوری شاید صاحب آن راضی نباشد! اینچنین آدم های مقدس و البته جاهل و سنگدلی بودند. اینان با امیرالمؤمنین در جنگ نهران جنگیدند. امام علی (ع) مجبور شد عده بسیار زیادی از آنها را از دم تیغ بگذراند، چرا که خوارج نهران اعتقاد داشتند اگر کشته شوند به بهشت می روند به همین دلیل فرار نمی کردند و تا پای جان می جنگیدند. شبین خوار را ما در روزگار خودمان داشتیم که همین داعشی های ملعون بودند. می گفتند بمیریم تا برویم بهشتی که پیامبر در آنجا هست. فقط در تاریخ داریم که ۳۰ نفر از خوارج زنده ماندند که آنها هم ترسو بودند و فرار کردند. از این ۳۰ نفر، ۳ نفر کنار کعبه هم قسم شدند و گفتند شب ۱۹ ماه رمضان برای اینکه به ثواب بسیار برسیم، یک نفر معاویه را در شام ترور کند، دومین نفر عمرو عاص را در مصر و سومین نفر علی بن ابی طالب را در کوفه. آن روزی که می خواستند عمرو عاص را ترور کنند، (صبح ۱۹ ماه رمضان) عمرو عاص به مسجد بیامد و قاضی القضات آمد که اشتباهی کشته شد. می خواستند معاویه را ترور کنند که شمشیر به پای معاویه خورد و

جناب حاج آقای پشت کوهی! آیا تمام کسانی که برای روبرویی با امام حسین و همراهان شان به صحرای کربلا آمدند صرفاً انگیزه مالی و دنیا طلبانه داشتند یا در بین آنها انگیزه های الهی برای کشتن سیدالشهدا نیز بود؟ ابتدا باید بگویم شهادت امام حسین (ع) یک امر بسیار عظیم و عجیب در جامعه بود. نوه پیغمبر (ص) و فرزند امیرالمؤمنین علی (ع) و آقای که همه به بزرگی و سخاوت ایشان معترف بودند را با آن وضعیت فقیع به شهادت رساندند و اهل بیشت توسط اشقیای عالم به اسارت برده شدند! کار روزگار به آنجایی کشیده شد که وقتی کشته شدند، بدنش را هم زیر شمش اسبان آوردند. جمله ای سیدالسادجین امام سجاد (ع) خطاب به حضرت زینب (س) دارد که باید در آن وقت بیشتری کرد. امام سجاد (ع) فرمود: «همه از این ناراحت نیستیم که پدر ما کشته شد، شهادت ارث ما است. از این هم ناراحت نیستیم که اسیر شدیم، اسارت هم برای ما چیزی نیست اما از این ناراحتیم که دشمن ابدان منحوس خود را غسل دادند و دفن کردند و بدن پدر مرا رها کردند. اینان ما را اصلا مسلمان هم نمی دانند.» خیلی عجیب است که روزگار طوری برچرخد که مردم پسر پیغمبر را مسلمان نمانند. یک عده از همین امت پیامبر قرآن به دست گرفتند و بچه های شان را از زیر قرآن رد کردند و گفتند بروید و حسین را بکشید تا به ثواب برسید! حسینی که پیامبر همین دین و همین قرآن او را به هر بهانه گرامی می داشت و در مقاطع مکرر در جمع مسلمانان به او ابراز علاقه می کرد. عمر سعد ملعون روز عاشورا اول کسی بود که شمشیر را برداشت و چرخاند و به طرف لشکر امام حسین (ع) تیر زد و گفت در قیامت شهادت دهید که من نخستین کسی بودم که تیر انداختم. باید بسیار عجیب و غریب باشد که جامعه آنقدر متحول شود. باید این تحول و ارتجاع مردم را ریشه یابی کنیم تا دوباره دچار آن نشویم. شما ریشه و زمینه قتل سیدالنبی توسط امت را چه می دانید؟ آنچه در کربلا پیش آمد، یقینا در سقیفه بنی ساعده ریشه دارد. حضرت زینب (س) وقتی بر ناله عریان سوار بود، از کنار گودال قتلگاه که می شد، یک تکه ای به بدن بی سر برادر کرد و گفت: «برادر! تو کسی هستی که روز دوشنبه کشته شدی.» مورخان می گویند عاشورای سال ۶۱ هجری روز جمعه بود، بنابراین چطور حضرت زینب (س) می گوید برادر تو را دوشنبه کشتند؟ «عالمی تکفیه الاشارة» جواب این است: روز دوشنبه روز سقیفه



نجات خلق و اصلاح حال مردم و در راه رضای خدا قیام کرد. پس همیشه با برکت بوده و همیشه با برکت است. از مکه تا کربلا و شب و روز عاشورا سخنان زیادی از این قبیل مضمون است تردیدی نیست! این مطلب که افراط در عزاداری مانع توجه به هدف قیام و شهادت امام حسین شده و خود عزا و ندبه هدف اصلی شده است، مورد اتفاق همه کسانی است که به تاریخ و مصالح اجتماع و شرع آگاهند. اگر اعلام پایداری و وفاداری و علاقه و بستگی و نثار عواطف برای آن بزرگان نباشد، اشکالی ندارد و بلکه مورد نظر هم هست. پس عزا و گریستن، هدف نیست افراط در آن مذموم است. همچنان که خنده زیاد هم مذموم است، بویژه گریستن بالای سر شهدا! گریه و خنده از جمله خصایص انسان است و تظاهر عواطف و احساسات او است. اسلام که آمد، چون همه شؤون انسان را به سوی

خیال بافانه ای را با تمام مفاسدش برای علاقه مندان به واقعه کربلا بازگو می کنیم! علاقه مندان نیز چنان از این روش استقبال می کنند که می توان گفت در هیچ جا از موضوعی چنین استقبالی نمی شود. با این احوال، اگر از اغلب این علاقه مندان، حقیقت و ماهیت این واقعه را بپرسند، جواب درستی نمی توانند بدهند. ما در دنیای امروز، از این موضوع باید درست استفاده کنیم. در دنیایی که هر ملتی تاریخ خود را برای روشن کردن مسیر آینده مبنا قرار می دهد، آنچه ما باید از گذشته استفاده کنیم، فرمانده و قائد معنوی مسلمانان دنیا همیشه حسین است. نام او، اقدام او، سخنان او و قبر او، زندگی، غیرت و ایمان می بخشد. حسین پس از ابراهیم خلیل و رسول اکرم، سوم کسی است که از خانه خدا، در راه خدا، برای

معلوم باشد و افراط در آن نباشد، بسیار ممدوح است. انسان باید تمام قوا و عواطفش را تحت ضابطه و حساب در آورد. به تصدیق محققان تاریخ، شخصیت ها و حتی گفت و گوهای واقعه عاشورا، روشن ترین شخصیت ها و گفت و گوها در تاریخ دنیاست. این گفت و گوها سرمایه گرانبهایی به جهان بخشیده است و اکنون ما می توانیم درباره این تاریخ درست قضاوت کنیم. مساله شعر و خیال و هنر و حدسیات نیست، اسناد این واقعه، محکم و متقن است و اعتبار آن، از نظر همه محققان و از جمله اروپاییان، از همین جهت مستند بودن آن است. غریبان، تاریخ طبری و دیگر تواریخ اسلام را چاپ کرده اند و ما مسلمانان متأسفانه کمتر به تاریخ دین مان توجه داریم و بیشتر از اسناد، تخیلات و حب و بغض های خود را وارد تاریخ کرده ایم! در این کشور شیعه و مرکز تشیع، واقعه

هدف عالی تری متوجه کرد، گریستن را هم در این راه به کار گرفت. در صدر اسلام، هر مصیبتی که برای مسلمانان پیش می آمد، می گفتند اول برای حمزه مصعب بگیرد و بگیرد. اما البته پول گرفتن و گریانیدن و از این راه ارتزاق کردن بسیار مذموم است! گریه کردن به تأثیر تحریک عواطف و فرستادن آن عواطف به دنبال بزرگان، ممدوح است. چنین گریه ای دلیل بر ضعف نیست، بلکه دلن بر شعور و درک زیاد است. علی (ع) در صفین بالای سر عمار گریست. آنها که شعور و تأثر ندارند گریه نمی کنند، بنابراین نه گریه کردن دلیل بر ضعف است و نه گریه نکردن دلیل بر قدرت. عجیب است که اسلام گریه و سوگ را هم مثل همه چیز دیگر تحت حساب در آورده است و برای هدفی آن را به خدمت می گیرد. انسان باید بفهمد چرا گریه می کند. اگر هدفش



محرم از نگاه آیت الله سید محمود طالقانی

گریه در خدمت آرمان های حسینی

معلوم باشد و افراط در آن نباشد، بسیار ممدوح است. انسان باید تمام قوا و عواطفش را تحت ضابطه و حساب در آورد. به تصدیق محققان تاریخ، شخصیت ها و حتی گفت و گوهای واقعه عاشورا، روشن ترین شخصیت ها و گفت و گوها در تاریخ دنیاست. این گفت و گوها سرمایه گرانبهایی به جهان بخشیده است و اکنون ما می توانیم درباره این تاریخ درست قضاوت کنیم. مساله شعر و خیال و هنر و حدسیات نیست، اسناد این واقعه، محکم و متقن است و اعتبار آن، از نظر همه محققان و از جمله اروپاییان، از همین جهت مستند بودن آن است. غریبان، تاریخ طبری و دیگر تواریخ اسلام را چاپ کرده اند و ما مسلمانان متأسفانه کمتر به تاریخ دین مان توجه داریم و بیشتر از اسناد، تخیلات و حب و بغض های خود را وارد تاریخ کرده ایم! در این کشور شیعه و مرکز تشیع، واقعه

هدف عالی تری متوجه کرد، گریستن را هم در این راه به کار گرفت. در صدر اسلام، هر مصیبتی که برای مسلمانان پیش می آمد، می گفتند اول برای حمزه مصعب بگیرد و بگیرد. اما البته پول گرفتن و گریانیدن و از این راه ارتزاق کردن بسیار مذموم است! گریه کردن به تأثیر تحریک عواطف و فرستادن آن عواطف به دنبال بزرگان، ممدوح است. چنین گریه ای دلیل بر ضعف نیست، بلکه دلن بر شعور و درک زیاد است. علی (ع) در صفین بالای سر عمار گریست. آنها که شعور و تأثر ندارند گریه نمی کنند، بنابراین نه گریه کردن دلیل بر ضعف است و نه گریه نکردن دلیل بر قدرت. عجیب است که اسلام گریه و سوگ را هم مثل همه چیز دیگر تحت حساب در آورده است و برای هدفی آن را به خدمت می گیرد. انسان باید بفهمد چرا گریه می کند. اگر هدفش

معلوم باشد و افراط در آن نباشد، بسیار ممدوح است. انسان باید تمام قوا و عواطفش را تحت ضابطه و حساب در آورد. به تصدیق محققان تاریخ، شخصیت ها و حتی گفت و گوهای واقعه عاشورا، روشن ترین شخصیت ها و گفت و گوها در تاریخ دنیاست. این گفت و گوها سرمایه گرانبهایی به جهان بخشیده است و اکنون ما می توانیم درباره این تاریخ درست قضاوت کنیم. مساله شعر و خیال و هنر و حدسیات نیست، اسناد این واقعه، محکم و متقن است و اعتبار آن، از نظر همه محققان و از جمله اروپاییان، از همین جهت مستند بودن آن است. غریبان، تاریخ طبری و دیگر تواریخ اسلام را چاپ کرده اند و ما مسلمانان متأسفانه کمتر به تاریخ دین مان توجه داریم و بیشتر از اسناد، تخیلات و حب و بغض های خود را وارد تاریخ کرده ایم! در این کشور شیعه و مرکز تشیع، واقعه

هدف عالی تری متوجه کرد، گریستن را هم در این راه به کار گرفت. در صدر اسلام، هر مصیبتی که برای مسلمانان پیش می آمد، می گفتند اول برای حمزه مصعب بگیرد و بگیرد. اما البته پول گرفتن و گریانیدن و از این راه ارتزاق کردن بسیار مذموم است! گریه کردن به تأثیر تحریک عواطف و فرستادن آن عواطف به دنبال بزرگان، ممدوح است. چنین گریه ای دلیل بر ضعف نیست، بلکه دلن بر شعور و درک زیاد است. علی (ع) در صفین بالای سر عمار گریست. آنها که شعور و تأثر ندارند گریه نمی کنند، بنابراین نه گریه کردن دلیل بر ضعف است و نه گریه نکردن دلیل بر قدرت. عجیب است که اسلام گریه و سوگ را هم مثل همه چیز دیگر تحت حساب در آورده است و برای هدفی آن را به خدمت می گیرد. انسان باید بفهمد چرا گریه می کند. اگر هدفش